

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

صفحات: ۹۳ - ۱۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳



بررسی سوءنیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران

پیمان رستمیان^۱، محمدحسین حجاریان^{۲*}، حسنعلی موذن زادگان^۳

چکیده

زمانی که انسانی با سوءنیت و اراده آزاد دست به ارتکاب عملی ضد اجتماعی به نام جرم می‌زند، عدالت و حفظ نظم اجتماع ایجاب می‌کند تا مجازات قانونی در مورد وی اعمال گردد. با تطور تاریخی و ایجاد تحول در مفهوم جرم و جنایت در نظام‌های حقوقی مختلف، نقش عنصر روانی جرم در امکان اعمال مجازات و یا چگونگی انجام مجازات، حائز اهمیت گردید و به تبع آن سوءنیت و یا حسن نیت نیز مطرح شده‌اند این موضوع در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی نیز جایگاه مهمی یافته است. لذا مقاله حاضر که در صدد بررسی سوءنیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران است موضوع سوءنیت را مورد بررسی قرار خواهد داد. در این مقاله روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد که از نوع مطالعات اسنادی داده‌های تحقیق گردآوری شده و با استفاده از روش تحلیل متون فقهی - حقوقی مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که **اولاً:** در نظام فقهی و حقوقی ایران، سوءنیت بخشی از عنصر معنوی جرم محسوب می‌شود و در صورت وجود این عنصر در ارتکاب جرم، شخص مرتکب مجرم خواهد بود. **ثانیاً:** در نظام حقوقی ایران هیچگونه تفکیک و تمایزی بین اجزای متشکله خطا به عنوان عنصر روانی جرائم غیرعمدی دیده نمی‌شود. در قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی به مصادیقی از خطا شامل بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت مقررات مربوط به امری و مانند آن اشاره شده است.

واژگان کلیدی: سوء نیت، حقوق، جرم، فقه، ایران

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات

متحدہ عربی

** استادیار گروه حقوق، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول)

ehsanhajarian@yahoo.com

*** دانشیار گروه حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

در حقوق جزاء جرم رفتاری است که نظم عمومی را بالقوه و یا بالفعل مورد حمله قرار دهد؛ به طوری که زندگی آرام و بی‌دغدغه مردم در جامعه تحت تأثیر قرار گیرد. تردیدی نیست که شدت صدمه وارده از نظر کمیت و کیفیت تأثیر بسیار بر اذهان عمومی دارد؛ اما نمی‌توان انکار کرد که آنچه نقش اصلی را در این حیطة بر عهده دارد؛ همانا سوءنیت در جرایم است. در واقع باید گفت که سوءنیت مرتکب، عاملی است که شدت یک جرم را معین کرده و وجود و فقدان آن به طور مستقیم بر شدت جرم اثر گذاشته و آن را شدید و خفیف می‌کند لذا این موضوع به همراه تعدد و تکرار جرایم رخ داده شده در گذشته و عصر حاضر، نیت و قصد عاملان آن‌ها موضوعی بسیار مهم و حائز اهمیت فراوانی در فقه و حقوق نه تنها ایران بلکه سایر کشورها می‌باشد از این رو هدف این مقاله این است که به بررسی سوءنیت در نظام فقهی و حقوقی ایران بپردازد و بررسی کند که نظام حقوقی ایران و فقه امامیه که قانون ایران متأثر از آن می‌باشد چه نگاه و عملکردی نسبت به این موضوع دارد از سوی دیگر نیز با توجه به اینکه امروزه جرایم غیر عمدی و حتی جرایم مطلق و مادی صرف، بخش معظمی از قوانین و مقررات کیفری را به خود اختصاص داده‌اند و در نتیجه به سبب نقش مهمی که این مفهوم دارد شناخت دقیق آن‌ها و مشخص کردن دامنه و حدود و نیز تمییز این جرایم از جرایم عمدی، بیش از پیش ضروری و لازم است در اینجا ضرورت و اهمیت بررسی این مقاله نمود پیدا می‌کند.

۱- پیشینه تحقیق

حمید شاهچراغ (۱۳۹۱) مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن‌لا" نگاشته است. در این مقاله آمده است: ظهور انقلاب صنعتی در سده‌ی نوزدهم میلادی، گذشته از تحولات اقتصادی جوامع پیشرفته، تغییر و یا اصلاح برخی نهادها و مفاهیم رایج کیفری را به همراه داشت.

مفاضی (۱۳۴۰) مقاله‌ای تحت عنوان "مسئولیت کیفری قتل در حالت مستی"، نگاشته است. این مقاله به تصریح نگارنده در حقیقت بر مبنای مقاله‌ای تحت همین عنوان که در مجله‌ی حقوقی کمبریج به چاپ رسیده است نگارش شده است. نبی خدا کرمی (۱۳۷۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تحت عنوان: «بررسی عنصر روانی جرم قتل در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی آن در حقوق مصر و آمریکا» به بررسی "عنصر روانی" به عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده جرم پرداخته که در بین صاحب‌نظران حقوقی در دو معنای وسیع و محدود بکار می‌رود. عنصر روانی و جرائم عمدی در معنای محدود شامل اراده ارتکاب و قصد مجرمانه، و در جرائم غیرعمدی شامل اراده ارتکاب و خطای کیفری است، و لیکن عنصر روانی در معنای وسیع علاوه بر معنای محدود شامل شرایط مسئولیت کیفری نیز می‌باشد. این پژوهش به صورت کلی موضوع عنصر روانی جرم را در یکی از انواع جنایات یعنی قتل و به صورت تطبیقی مورد توجه قرار داده است؛ بر این اساس حوزه بررسی تطبیقی نظم حقوقی کامن لا را در بر نمی‌گیرد.

محمد علی بابایی (۱۳۷۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان: «اشتباه در شخص مجنی علیه جرم قتل و تاثیر آن بر مسئولیت کیفری»، معتقد است که اشتباه ممکن است حکمی باشد یا موضوعی. در مورد اشتباه حکمی، فرض ((مسموع نبودن ادعای اشتباه)) حاکم است، ولی اشتباه موضوعی به لحاظ این که عنصر روانی جرم را زایل می‌سازد، رافع مسئولیت و یا تغییردهنده عنوان مجرمانه و در نتیجه مسئولیت کیفری است. در پژوهش حاضر، علاوه بر پرداختن به موضوع اشتباه در شخص مجنی علیه جرم، بحثی تحت عنوان جرم انتقال یافته که در حقوق انگلستان به نحو گسترده‌ای بررسی شده است.

۲- تحلیل پیشینه تحقیق و نوآوری مقاله

با بررسی پیشینه‌های تحقیق می‌توان بیان داشت که عمده این پژوهش‌ها حول محور سوء نیت در نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با دیگر کشورها می‌باشند و کمتر موضوع سوء نیت را از بعد داخلی و نظام مبتنی بر فقه و حقوق ایران را مد نظر قرار داده‌اند. از سوی دیگر نیز هیچکدام از این پیشینه‌ها به بررسی موضوع اصلی یعنی بررسی سوء نیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران پرداخته‌اند لذا در خصوص موضوع

۹۶ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

پژوهش مطالعات زیادی صورت نگرفته بلکه عمده تحقیقات انجام گرفته حول محور قتل، دلایل شکل‌گیری آن‌ها، اصول و صلاحیت‌های رسیدگی به جرایم، نظام حقوقی کیفری و بررسی جرایم در این نظام‌ها می‌باشند. اما پژوهش مذکور تلاش دارد تا این موضوع را به صورت علمی و آکادمیک مورد مطالعه قرار دهد.

۳- مفهوم حقوقی سوءنیت

هر چند قانونگذار در مواد قانونی، تعریف مشخصی از سوءنیت بیان نکرده است ولی در مواد متعددی و البته با تعابیر مختلفی همچون «عمد، قصد، سوءنیت عام، سوءنیت خاص، اراده و خواستن» از آن نام برده است. در تعریف ساده، سوءنیت را می‌توان اینگونه بیان داشت؛ فعل یا ترک فعلی که دو ویژگی را در خود جای دارد: نخست این که مخالف با اوامر و نص قانون باشد و دیگر این که با علم و آگاهی کامل شخص مرتکب انجام شود. به طور مثال، چنان چه مرتکب بداند مالی را که تحصیل کرده و یا به وی داده شده است از راه سرقت به دست آمده و با وجود علم به این موضوع، آن را قبول کند، می‌توان گفت مرتکب با سوءنیت اقدام به ارتکاب جرم شده است. (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۳۳) در یک تعریف کلی، سوءنیت به عام و خاص تقسیم شده است. سوءنیت عام عبارت از اراده آگاه عامل در ارتکاب جرم است و سوءنیت خاص، اراده آگاه نسبت به مال موضوع جرم یا شخص متضرر از جرم است. در برخی از جرائم علاوه بر سوءنیت عام فرد باید دارای سوءنیت خاص نیز داشته باشد تا جرم محقق شود مثل جرم اشاعه اکاذیب که عمده باید مقرون به قصد اضرار باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۹؛ ۱۸۴). عنصر روانی (سوءنیت) یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم است که در بین صاحب‌نظران حقوقی در دو معنای وسیع و محدود به کار می‌رود. عنصر روانی جرائم عمدی در معنای محدود شامل، جرائم اختیاری یا جرائمی که مجرم عامل مورد ملاحظه است و در جرائم غیرعمدی شامل جرائم اختیاری و جرائم ناشی از سهل‌انگاری است، ولیکن عنصر روانی در معنای وسیع علاوه بر معنای محدود شامل مسئولیت کیفری نیز می‌باشد. (خداکرمی، ۱۳۷۷، ۴۴)

۴- مفهوم فقهی سوء نیت در عمد

پیش از این مورد اشاره قرار گرفت که رکن معنوی جرائم، دو صورت عمده دارد. یک صورت آن عمد یا قصد مجرمانه است و دیگری خطا. بر همین مبنا، جرائم نیز به دو دسته عمدی و غیرعمدی یا خطئی تقسیم شده‌اند. قصد مجرمانه از دو عنصر تشکیل می‌شود: علم و اراده. این دو عنصر در هر دو صورت رکن معنوی، یعنی هم در قصد مجرمانه و هم در خطا وجود دارد. با وجود این، حدود و قلمرو آن‌ها در جرائم عمدی و خطئی متفاوت است. در جرائم عمدی، مجرم نسبت به تمامی اجزای رکن مادی، هم علم دارد و هم اراده؛ اما در حالت خطا، علم و اراده وی فقط بخشی از این اجزا را در بر گرفته و نسبت به بقیه اجزا، مجرم صرفاً احتمال تحقق آن را می‌دهد و یا این که هنگام ارتکاب رفتار بایست احتمال تحقق آن‌ها را می‌داد لذا در ادامه همین مبحث می‌توان بیان داشت که در حقوق جزای اسلامی، فقها به دو نوع سوء نیت عام و سوء نیت خاص توجه کافی مبذول داشته و معتقدند که قتل عمد در یک تقسیم کلی ممکن است به دو صورت تحقق پذیرد، یکی این که جانی قصد قتل را در حین ارتکاب جرم داشته است و این همان قصد خاص است. دیگر اینکه جانی به فعلی که غالباً کشنده است یا با آلت قتاله مجنی علیه را از قصد مضروب یا مصدوم کند ولو اینکه قصد قتل را نداشته باشد و این همان قصد عام است. (فیض، ۱۳۸۵: ۲۴۷)

۵- سوء نیت عام و خاص در اقسام جنایات از دیدگاه فقه اسلامی

تحقق سوء نیت عام در جنایات آن است که مجنی علیه به همان فعلی صدمه دیده باشد که از طرف جانی برای ارتکاب جرم قصد شده است، بنابراین می‌توان بیان داشت که سوء نیت عام به معنای قصد فعل یا اراده‌ی خودآگاه شخص در ارتکاب عمل مجرمانه می‌باشد. (فیض، ۱۳۸۵: ۴۱۱) لذا اگر جنایت به سبب و علتی غیر از آنچه که مقصود جانی بوده است حادث شده باشد جنایت عمدی نخواهد بود، اگرچه اصل جنایت مستند به وی تشخیص گردد. تشخیص و احراز اینکه قتل اتفاق افتاده عمدی است یا خیر در برخی فروع با دشواری همراه می‌باشد. مثلاً در ایراد ضرب: عمد در زدن سوء نیت خاص است ولی در قتل، قاتل علاوه بر قصد ورود ضرر به مجنی علیه باید قصدش سلب حیات از مقتول هم باشد یا در سرقت و کلاهبرداری و غیره جرائم متعدد دیگری که هم سوء نیت عام و خاص می‌توان در آن‌ها تصور کرد. البته ذکر این

۹۸ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

نکته ضروری است که برخی جرائم نیازی به سوءنیت خاص ندارند و سوءنیت عام مرتکب برای تحقق جرم مرتکب کافی است. به عنوان مثال هرگونه اقدام به خارج نمودن اشیاء خارجی ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی به هر نیتی که باشد جرم است. و نکته دیگر این که قلمرو انگیزه گسترده‌تر از سوءنیت خاص می‌باشد، گرچه برخی بین این دو خلط کرده‌اند (نوبهاری، ۱۳۸۵).

۶- سوء نیت در اقسام جنایت از منظر فقه امامیه

قصد ارتکاب جرم و تجری در میان دانشمندان علم اصول و آثار آن‌ها از جمله: متقدمانی مانند شیخ انصاری در فرائد الاصول و ... و متأخرانی چون علامه حیدری در اصول استنباط مطرح بوده است. اکثر دانشمندان علم اصول بر این عقیده‌اند که کیفر دایر مدار جرم است و مادامی که قصد ارتکاب جرم از مرحله اندیشه به مرحله عمل نرسیده مجازاتی به آن تعلق نمی‌گیرد. ولی برخی از آن‌ها مانند آخوند خراسانی و علامه حیدری می‌گویند شخص متجری باید عقاب شود، این مسأله در میان علمای اخلاق نیز تحت عنوان نیت بر انجام معصیت مطرح است. از جمله در کتب اخلاقی چون معراج السعاده ملا احمد نراقی و کتب روایی مانند بحارالانوار علامه مجلسی و وسائل الشیعه حر عاملی و ... بیان شده است و بر این عقیده‌اند که در قیامت اعمال انسان‌ها با توجه به نیاتشان تجسم پیدا می‌کنند. (قبادپور، ۱۳۹۰: ۵)

حال به ذکر مثال در این رابطه می‌پردازیم و نظر برخی فقهای امامیه را در این مورد ذکر می‌کنیم. جانی با قصد قتل مجنی علیه وی را از بلندی پرتاب می‌کند. در صورتی که پس از پرتاب و قبل از اصابت به زمین مجنی علیه در اثر خوف و هراس بمیرد آیا جنایت را می‌توان غیر عمدی دانست، به این جهت که آنچه که تحقق پیدا کرده است مقصود قاتل نبوده و وی آن را قصد نکرده است؟ آیت ... خوبی در این باره می‌فرماید: «هر گاه شخصی دیگری را از بالای بلندی به قصد قتل یا به صورت نوعاً کشنده به پایین بیندازد و شخص پرتاب شده قبل از آنکه به زمین برسد به دلیل ترس بمیرد، نسبت به شخص مرتکب قصاص وجود خواهد داشت» (خوبی، بی تا: ۱۰)؛ زیرا اختلاف در خصوصیات فعل نمی‌تواند در انحراف قصد جنایت مؤثر باشد. همچنین نظر شهید ثانی در این مورد این است که «از این جهت که فعل ارتكابی غالباً کشنده است جنایت را عمدی دانسته و گفته‌اند مانند آن است که شخصی مجنی علیه را از ارتفاعی که نوعاً کشنده است فرو افکند و به مانعی برخورد کرده بمیرد، زیرا سببی

که بدان قصد نشده و موجب مرگ شده است امری زائد بر اثر فعل غالباً کشنده‌ای است که جانی با قصد مرتکب گردید» (رضانیا و آبادی زاده، ۱۳۹۶: ۲۴).
اما محقق حلی در این باره نظر مخالفی را ارائه کرده است: «آنچه متیقن در ثبوت قصاص می‌باشد حاصل نیامده و این مانند آن است که جانی مقتول را از بلندی به زیر افکند و بر زمین نرسیده دیگری وی را با سلاح به قتل برسان (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۹۵، موسوی خمینی: ۱۹۸).

امام خمینی در تحریر الوسیله می‌فرماید: «در مواردی که جانی سبب معینی را قصد کند لکن جنایت به علت دیگری واقع شود چنان که عامل و سبب جنایت داخل در قصد سبب معین باشد جنایت عمدی خواهد بود زیرا آنچه موجی جنایت شده است امری منفک از سبب مقصود جانی نبوده و در واقع دشمن قصد سبب معین بدان قصد شده است، از این رو اگر مجنی علیه را به قصد غرق کردن در آب به دریا افکند و قبل از رسیدن به آب کوسه وی را در هوا بکشد قتل عمدی است.» (خمینی، ۵۱۳)
با توضیحات ارائه شده باید گفت با استناد به مواد ۲۰۶ و ۲۷۱ قانون مجازات اسلامی که مبتنی بر پذیرش آراء مشهور فقهای امامیه می‌باشد اگر جانی قصد قتل دیگری را به وسیله خاصی نماید اما جنایت به طریق دیگری اتفاق افتد، به جهت وجود قصد فعل واقع شده بر مجنی علیه قتل عمدی است و موجب قصاص. در خصوص قصد صریح بیان این مسأله مهم است که گاه جانی با وجود قصد ابتدایی بر عزم خویش جزم داشته و با انجام فعلی که عادتاً منتهی به جنایت می‌گردد مجنی علیه را هدف قرار می‌دهد، مانند آنکه با استفاده از سلاح در هلاکت وی مباشرت نماید اما در مواردی به رغم وجود قصد ابتدایی بر قتل به انجا فعلی دست می‌زند که هر چند عادتاً نتیجه مرگ را به دنبال ندارد اما وی با ارتکاب آن فعل به وقوع جنایت امیدوار است. مثلاً مجنی علیه را به قصد قتل نزد حیوان درنده‌ای که خوی وحشیگری خود را از دست داده، انداخته و در حالی که امید و آرزوی مرگ او را دارد در اثر حمله آن حیوان کشته شود. (خمینی، ۵۱۲) در اینجا چون آنچه اتفاق افتاده است مقصود و مورد نظر جانی بوده و وی بر آن عمد داشته قتل عمدی اتفاق افتاده است. فقهای امامیه در مورد ارتکاب قتل عمدی در مواردی که آلت قتاله غالباً کشنده باشد و یا نسبت به مقتول کشنده باشد اتفاق نظر دارند، اما در دو مورد بین آنها اختلاف نظر است. اول زمانی است که شخص قید قتل کرده اما آلتی که استفاده می‌کند غیرقتاله است و یا اینکه نادراً قتاله است. در این مورد به نظر می‌رسد که قتل عمدی محقق شده زیرا قصد

۱۰۰ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

صریح بر تحقق قتل وجود دارد. اما مورد دیگر زمانی است که شخص قصد قتل ندارد اما قصد فعل با آلات غیرقتاله کرده و شخص کشته می‌شود. سوال اینجاست که آیا قتل واقع شده را باید عمدی تلقی نماییم یا خیر؟ «به نظر می‌رسد اگر چه قصد فعل خود یک نوع تعدی نسبت به مقتول است اما چون قاتل پیش‌بینی قتل را حتماً یا امکاناً نمی‌کرده است لذا فاقد هرگونه قصد قتل اعم از صریح و ضمنی می‌باشد، بنابراین بهتر است قتل را شبه عمد بدانیم». (ذاکری، ۱۳۷۷: ۱۴۹)

۷- سوءنیت در اقسام جنایت از دیدگاه فقه اهل سنت

حال می‌خواهیم نگاهی اجمالی با بررسی نظریات فقهای اهل سنت در خصوص انواع قصد داشته باشیم. «مالک در جرائم قتل، جرح و ضرب عمدی به قصد عام یعنی قصد دشمنی اکتفا می‌کند و در قتل عمد قصد گرفتن جان مجنی علیه توسط مجرم را شرط نمی‌داند لذا در نزد مالک مجرمی که با قصد دشمنی به شخصی سیلی یا مشت بزند و عمل او به مرگ آن شخص منجر شود قاتل عمد محسوب می‌شود. همچنین اگر سنگ یا شاخه کوچکی را به طرف شخصی پرتاب کند یا با عصا آهسته به او بزند اگر چه ضربات پی در پی نباشد در صورتی که این اعمال را با قصد دشمنی انجام دهد و به مرگ او منجر شود قاتل عمدی محسوب می‌گردد. همچنین کسی که شخصی را با قصد دشمنی تکان دهد یا پایش را بگیرد و آن شخص بیفتد و افتادن او به مرگ وی منجر شود قاتل عمدی محسوب می‌شود در هیچ یک از حالات قتاله بودن وسایل و یا قصد گرفتن جان مجنی علیه توسط مجرم شرط نیست. (خطاب، بی تا: ۲۴۰) «کسی که با قصد دشمنی به شخصی سیلی بزند و چشم وی را کور کند یا بینایش را از بین ببرد مسئول آن خواهد بود هر چند نتیجه فعل را قصد نکرده یا انتظار آن را نداشته باشد». (خطاب، بی تا: ۲۴۶-۲۴۹) این نظریه رأی فقها مذهب ابوحنیفه و رأی مرجوع در مذهب احمد است. این فقها بین قصد در قتل عمد و قصد در غیر آن از جرائم بر علیه جان یا کمتر از آن فرق می‌گذارند در قتل عمد شرط می‌کنند که مجرم هم فعل کشنده و هم گرفتن جان مجنی علیه را قصد کند، پس اگر این دو قصد موجود باشد قتل عمد و اگر تنها قصد اول موجود باشد فعل قتل شبه عمد است (در غیر قتل عمد تنها قصد عام یا قصد عصیان یعنی قصد انجام فعل با علم به ممنوع بودن آن را شرط می‌دانند، پس اگر این قصد موجود باشد مجرم مسئول نتایج فعل خود می‌باشد، اعم از آنکه تمام آن را قصد کرده یا نکرده باشد بدون فرق بین اینکه آن نتایج، نتایج نزدیکی باشد که

زیاد اتفاق می‌افتد یا نتایج بعیدی باشد. پس هر کس شخصی را تنها به قصد زدن بزند و این زدن به مرگ او منجر شود مسئول جرم قتل شبه عمد است و نه ضرب». (لابی البرکات، ۱۴۰۵: ۴۱۰)، صاحبان این نظریه در جهتی با مالک موافق و در جهت دیگر مخالفند. جهت موافقت با وی در جرم کمتر از قتل است، زیرا مجرم را جهت قصد احتمالی او مورد مؤاخذه قرار می‌دهند و او را مسئول نتایج فعلی که قصد کرده است می‌دانند، گرچه این نتایج را قصد نکرده یا انتظار حصول آن را نداشته باشد، اما در قتل عمد با او مخالفند زیرا در قتل عمد به مؤاخذه مجرم به جهت قصد احتمالی اعتقاد نداشته برای محسوب نمودن شخص به عنوان قصد قتل عمد قصد گرفتن جان مقتول را شرط می‌کند. علت این اختلاف این است که فقهای دیگر قتل را به سه نوع عمد، شبه عمد، خطای محض تقسیم می‌کنند. پس اگر مجرم فعل کشنده گرفتن جان مقتول را قصد نماید، قاتل عمد است در حالی که طبق نظر مالک در هر حالت مجرم قاتل عمدی است (عوده، ۱۳۷۵: ۱۵۶).

فقهای شافعی بین جرائم عمد و غیرعمد فرق گذاشته و مجرم را در هر دو حالت مسئول می‌دانند چنانچه مبنای تفاوت بین جرم عمد و غیرعمد را قصد مجرم می‌دانند. پس اگر مجرم فعل را با قصد عصیان انجام دهد عامد و اگر عصیان را قصد نکند غیرعامد است. در هر موردی که جانی هم فعل و هم گرفتن جان مجنی علیه را قصد کند او را مسئول قتل عمد و در موردی که تنها فعل را قصد کند ولو فعل غالباً به مرگ منجر نشود او را مسئول قتل شبه عمد قرار می‌دهند. بنابراین در محدوده‌ی قتل عمد برای قصد محتمل محل بحثی نیست و در این امر طرفداران این نظریه با صاحبان نظریه قبل اتفاق نظر دارند. (عوده، ۱۳۷۵: ۱۵۶).

از نظر فقهای اسلام به طور کلی معین یا غیرمعین بودن قصد مساوی است. بعضی از فقهاء شافعی معتقدند که اگر قتل شخص غیرمعینی را قصد کند به عنوان قاتل قتل عمدی مؤاخذه نخواهد شد بلکه مادامی که شخصی که جرم علیه او را قصد کرده است نامعین باشد از فعل به عنوان قتل شبه عمد مؤاخذه می‌شود. مالکی‌ها بین قتل مباشر و قتل تسبیبی فرق می‌گذارند و در حالت قتل مباشر قصد معین و قصد غیرمعین را مساوی می‌دانند و قاتل را مسئول قتل عمد قرار می‌دهند، اما در حالت قتل تسبیبی قاتل را جز در صورتی که قصد شخص معینی را نموده و او هلاک شود به عنوان قاتل عمد مسئول نمی‌دانند، پس اگر شخص غیرمعین را قصد کند به عنوان قاتل عمد مسئول نبوده و تنها مسئول قتل خطایی است (خطاب، بی تا: ۲۴۰). در حقوق جزای اسلام

۱۰۲ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

قصد جازم تحت عنوان قصد مباشر و قصد احتمالی تحت عنوان قصد غیرمباشر می‌باشد. آنچه بیش از هر چیز بر این مطلب دلالت می‌کند جرائم ضرب و جرح است. اگر ضرب یا جرح به قطع عضو یا از بین رفتن منفعت آن منجر شود مجرم مسئول آن بوده و به جهت آن مؤاخذه خواهد شد و اگر ضرب و جرح به مرگ منتهی شود مجرم به عنوان قتل شبه عمد مسئول خواهد بود نه به عنوان ضرب و جرح، پس شریعت در جرائم ضرب و جرح نتایج فعل را بر مجرم تحمیل می‌کند اگرچه آن را قصد نکرده یا انتظار حصول آن را نداشته باشد. معنای تحمیل این نتایج بر مجرم این است که مجرم به قصد غیرمباشر یا قصد محتمل خود مؤاخذه می‌گردد. (عوده، ۱۷۵: ۱۵۳).

۸- مبانی نظری سوءنیت در فقه اسلامی؛ ادله اعتبار قصد در حقوق

اسلام

برای ارتکاب یک عمل مجرمانه چهار مرحله وجود دارد: ۱- قصد ارتکاب جرم ۲- تهیه مقدمات جرم ۳- شروع به جرم ۴- انجام کامل جرم. قصد مجرمانه، اراده و تمایل شخص به انجام عملی است که قانون آن را نهی کرده باشد. مرحله اندیشه و قصد مجرمانه از جمله مواردی است که محل نقد و نظر علما، فقها و حقوقدانان اسلامی است.

از موضوعات مسلم حقوق اسلامی، حکم و قضاوت کردن براساس ظاهر است. در این نظام، تجسس در کشف امور باطنی و انگیزه‌ها مطلوب و پسندیده نیست. در حقوق اسلامی به اصل و قاعده غیر قابل مجازات بودن اندیشه و تصمیم مجرمانه به بهترین صورت عمل شده است. مثلاً درباره منافقانی که کفر خود را پنهان و به اسلامی تظاهر می‌کردند، مانند مسلمانان رفتار شده و هرگز در جهت کشف ما فی‌الضمیر آنان اقدام نشده است. قرآن منبع خاص و اساسی‌ترین منبع حقوق اساسی جمهوری اسلامی است. حقوقی که اصول، احکام، مبنا، و توجهش و سیر و حرکتش اسلامی است باید از قرآن الهام بگیرد. (مدنی، ۱۳۸۹: ۲۳).

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان و معجزه جاویدان پیامبر اسلام (ص) مهمترین منبع خاص حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اسلامی به شمار می‌رود. این کتاب شریف از نقاط اشتراک گروه‌ها و فرق اسلامی است و از عوامل وحدت مسلمانان به شمار می‌رود. بسیاری از مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در

آیات قرآن کریم جستجو نمود. قرآن کریم در همین زمینه می‌فرماید: ای رسول چون منافقان نزد تو آمده گفتند که ما به یقین و حقیقت گواهی می‌دهیم که تو رسول خدایی (فریب نخور) خدا می‌داند که تو رسول اوئی و خدا گواهی می‌دهد که منافقان سخن دروغ می‌گویند، قسم‌های خود را سپر جان خویش (و باز فریب مردم) قرار داده‌اند تا بدین وسیله راه خدا را (به روی خلق) ببندد.^۱

با این که قرآن صراحتاً می‌گوید که منافقان در اظهاراتشان صادق نیستند، مع الوصف "آنان مانند همه‌ی مسلمین از حقوق اجتماعی امت اسلامی بهره‌مند می‌شوند و ... این‌ها دلیل است بر این که اسلام به ظاهر حکم می‌کند و کنجکاوی به بواطن و اسرار نهفته در دل‌ها و تجسس و تفتیش عقاید را محکوم کرده و کسی را بدان مجاز ننموده است" (فیض، ۱۳۶۹: ۱۷۸). اسلام نیت را سرچشمه اعمال می‌داند و در مورد پاک نمودن و پاک نگهداشتن آن سفارش بسیار نموده است، و به طور کلی ساختار وجود انسان را در رابطه‌ی تنگاتنگ با نیت می‌داند، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا: بگو هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند. منظور از شاکله، همان نیت است (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۶).

سنت در حقیقت گفتار و رفتار پیامبر و امامان معصوم شاخصی برای سنجش اعمال حکومت است و در تدوین احکام و قوانین نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بدیهی است که افزون بر آن، حضرت محمد، خاتم پیامبران و رسول خداست و از نعمت عصمت برخوردار است و گفتار و کردار وی نیز، مأخذ لازم الاتباع تشریح و تقنین به شمار می‌آید (پروین، ۱۳۹۱: ۸۲). بعد از بررسی سوء نیت در نگاه فقها اکنون به بررسی آن از دیدگاه حقوق در ایران خواهیم پرداخت.

۹- جایگاه سوء نیت در میان عناصر متشکله جرم در نظم حقوقی

ایران

فارغ از معنای ادبی و فقهی سوء نیت در نظم حقوقی ایران، این واژه در حقوق کیفری جزء خانواده عنصر روانی در جرایم عمدی مسحوب می‌شود. به این دلیل از

۱. آیات ۲ و ۳ سوره منافقون: اذا جائك المنافقون قالوا نشهدانك لرسول الله و الله يعلم انك لرسوله، و الله يشهد ان المنافقون لكاذبون، اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله

۱۰۴ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

عبارت «خانواده عنصر روانی» استفاده کردیم، زیرا که ارکان دیگری همچون عمد و قصد نیز مساوی با سوءنیت در کنار عنصر روانی استعمال می‌شوند. به طور کلی باید گفت که سوءنیت در حقوق کیفری ایران به رفتارهایی اشاره دارد که قانونگذار آن‌ها را جرم‌انگاری کرده و به عنوان جرم شناخته است. همچنین سوءنیت یکی از انواع عنصر روانی جرم محسوب می‌شود. آنچه از عنوان سوءنیت قابل استنباط است، علم به انجام عمل خلاف قانون است. از این رو باید گفت که علم و آگاهی یکی از مهمترین ارکان سوءنیت محسوب می‌شود.

۱۰- نقش علم (آگاهی) و اراده (قصد) در سوءنیت

اساساً سوءنیت متشکل از علم (آگاهی) و اراده (قصد) انجام عملی است که قانون آن را جرم محسوب می‌کند. آنچه مسلم است، علم و قصد اگرچه ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند ولی هم معنا نیستند. هرچند اراده جزء اصلی و بنیادین سوءنیت تلقی شده است ولی بدون وجود علم نمی‌توان عمل غیر قانون مرتکبی را در قالب سوءنیت قلمداد کرد. از سوی دیگر، بدون وجود اراده نیز نمی‌توان جایگاه سوءنیت را به درستی درک کرد. ارتباط اراده و علم در سوءنیت به قدری بالاست که نمی‌توان هیچکدام را بر دیگری برتری داد. چنانچه اراده در سوءنیت نباشد، چه عاملی موجب تحقق رفتار پس از علم به آن یا تصمیم بر انجام آن می‌گردد؟ به عبارت دیگر حلقه اتصال بین صرف تصمیم به ارتکاب رفتار تا تحقق رفتار چیست؟ با طرح این پرسش، به راحتی می‌توان دریافت که علاوه بر علم و یا خواست ارتکاب یک رفتار، عاملی دیگر نیاز است که این تصمیم را به منصفه ظهور برساند. این عامل که اراده نامیده می‌شود، به دلیل همین ماهیت ذهنی و روانی داخل در سوءنیت است و تا این عامل محقق نشود، نمی‌توان از تحقق سوءنیت سخن گفت (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۳۳-۲۳۵). جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص که در فقه جزایی به عنوان جنایات مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، از مهمترین جرائمی است که حق حیات آدمی و اصل مصونیت از تعدی و تعرض را هدف قرار داده و همواره در قوانین جزایی شدیدترین واکنش کیفری برای آن پیش‌بینی شده است. ایراد صدمات بدنی گاه منتهی به حدود مرگ که سنگین‌ترین نتیجه مجرمانه است و گاه نیز نتایج خفیف‌تری را به صورت جنایت بر اطراف که موجب قطع یا نقص عضو و زایل شدن منافع آن است در پی دارد (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۴).

سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا به فرض وجود اراده و علم در ارتکاب یک جرم، سوء نیت رخ داده است؟ در ابتدا باید گفت که اساساً تمامی رفتارهای ارادی مرتکبین جرم در اصل رفتارهای عمدی هستند، زیرا اراده جز با شعور و آگاهی و با تصور یک فعل و دستور ذهن بر ارتکاب آن توسط اعضاء به وجود نمی‌آید. با این حال باید گفت که رفتار ارادی همیشه مساوی با رفتار مرتکب نیست. رفتار مرتکب جرم به عنوان جزء اول عنصر مادی که تحقق نیت مجرمانه در لحظه ارتکاب آن لازم است، هرچند رفتار ارادی است، اما صرف همین رفتار ارادی همیشه رفتار مجرمانه نیست و بلکه تحقق آن منوط به شرایط دیگری است. به طور مثال در جرم عبور غیرمجاز از مرز، رفتار مرتکب عبارت از عبور نمودن مرتکب از داخل کشور به خارج آن است. عبور کردن نیازمند راه رفتن ارادی است؛ اما آیا اگر شخصی به صورت ارادی از مرز خارج شود، نیت مجرمانه او محقق است؟ اگر صرف وجود اراده نیت مجرمانه را تشکیل دهد، لازم است پاسخ مثبت باشد. اما پذیرش این امر بدین معناست که مرتکب حتی با جهل به وجود مرز، به عبور عمدی از مرز محکوم شود. در جرم قتل عمدی نیز در صورتی که صرف وجود اراده فعل، کافی در عمدی بودن قتل باشد، می‌توان فردی را که انسانی را به گمان حیوان بودن کشته است یا به انسانی به تصور مرده بودن شلیک و او را از پای در آورده است، به قتل عمدی محکوم نمود. تردیدی نیست که در هیچکدام از این مثال‌ها، سوء نیت مجرمانه تشکیل نشده است. زیرا علاوه بر لزوم ارادی بودن رفتار، لازم است که مرتکب به وجود مرز در مثال اول و انسان زنده در مثال دوم، آگاه باشد تا بتوان مجرم بودن و نیت وی محقق شود (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۷۰).

مثال دیگر اینکه، هرچند تکان دادن دست امری ارادی است، اما در چاقو زدن به دیگری، علاوه بر نیاز به ارادی بودن، علم به وجود برنده بودن چاقو و موضوع جرم که همان انسان زنده است نیز لازم است تا سوء نیت مجرمانه مرتکب محقق گردد. به عنوان نتیجه باید گفت که درک این مطلب که صرف ارادی بودن رفتار مساوی با عمدی بودن آن نیست، در گروه تفاوت بین رفتارهای ارادی با رفتاری عمدی است. رفتار ارادی است که فرد با طی نمودن مقدمات فعل ارادی اعم از تصور و تصدیق آن را مرتکب گردد؛ اما رفتاری عمدی است که علاوه بر ارادی بودن، علم مرتکب به خصوصیات آن و نیز موضوع جرم تعلق گیرد. از طرف دیگر، عنصر مادی جرم علاوه بر رفتار و موضوع، گاه شامل نتیجه مجرمانه و شروط تحقق جرم نیز خواهد بود که وجود

۱۰۶ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

سوءنیت مجرمانه نسبت به آن‌ها مستلزم علم یا قصد به آن‌ها نیز می‌باشد. در این حالت، صرف ارادی بودن رفتار، مساوی با عمدی بودن کل پدیده مجرمانه نیست. اراده تنها به اصل رفتار تعلق می‌گیرد و موضوع و نتیجه را در بر نمی‌گیرد و لذا تشکیل سوءنیت مجرمانه منوط به وجود نهادی دیگری است که به ضمیمه اراده، تمامی واقعه مجرمانه را پوشش دهد.

جنایات علیه تمامیت جسمانی اگرچه به صور و کیفیات مختلفی واقع می‌شود اما می‌توان آن‌ها را در دو گروه عمده جای داد:

- الف - قتل عمدی و جنایات عمدی مادون نفس و
- ب - قتل غیر عمد و جنایات خطایی مادون نفس

۱۱- سوءنیت در نظام حقوقی ایران

سوءنیت در جرائم عمدی

جرائم عمدی، جرائمی هستند که نیاز به قصد کیفری دارند و قصد کیفری از اراده (اراده رفتار فیزیکی و نتیجه مجرمانه) و علم (علم به ارکان) تشکیل می‌شود. سوءنیت، سوءقصد، عمد و علم در مواد مختلف قانون جزا به یک معنی که شامل قصد مجرمانه بوده به کار رفته است. عمد عبارت است از هدایت اراده انسان به سوی منظوری که انجام یا عدم انجام آن را قانونگذار منع کرده است بنابراین در جرائم عمدی، فعل و نتیجه آن مورد اراده و خواست امل است. به عبارت دیگر، هرگاه مجرم نتیجه عملی را که به او نسبت داده شده، قبلاً در نظر گرفته و با توجه به نتیجه مجرمانه، عمل را انجام داده باشد، در واقع مرتکب جرم عمدی شده است (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ۲۰۸). جرائم در تقسیمی دیگر، از حیث ماهیت و طبیعت جرم، به عمومی، سیاسی و نظامی تقسیم شده‌اند.

جرائم عمومی به جرائمی اطلاق می‌شوند که مردم قادر به ارتکاب آن باشند و ضمن ایراد صدمه به تمامیت جسمانی، معنوی و منافع خصوصی اشخاص، اذهان عمومی را مشوش سازند، مانند قتل و سرقت (رحیمی‌نژاد، ۱۳۷۸: ۴۳). جرم سیاسی جرمی است که بر ضد تشکیلات و عملکرد دولت صورت گیرد، مانند بغی (اصغری، ۱۳۸۰، ۲۳) بخشی از جرائم نظامی مفهومی جدا از جرائم عمومی ندارند، بلکه تنها شدت عمل بیشتر و رسیدگی سریع‌تر در آن‌ها وجود دارد، ولی شماری از جرائم

مختص نظامیان است، مانند فرار از خدمت سربازی که دادگاه‌های نظامی عهده‌دار رسیدگی به این جرائم‌اند (نوربهری، ۱۳۸۵: ۲۶۳). در این بند به بررسی سوء نیت به صورت تفکیکی در مصادیق این جرائم خواهیم پرداخت.

۱۲- جرائم علیه اشخاص

قتل

حق حیات بنیادی‌ترین حق انسانی است. به این معنا که تحقق سایر حقوق انسانی متوقف برحق حیات است. اهمیت این حق تا بدانجاست که حتی در شرایط اضطراری نیز نمی‌توان آن را نقض کرد.

«حق حیات در حالت‌های مختلف ممکن است مورد مخاطره قرار گیرد. پیش‌بینی نکردن مقررات لازم در برخورد با کسانی که حق حیات دیگران را مورد تعرض قرار می‌دهند می‌تواند به نوعی نقض حیات قربانی باشد. همچنین عدم حمایت دولت از افراد یا گروه‌های در معرض تهدید و یا باز نگذاشتن دست گروه‌ها و افراد خاصی در معرض به حیات دیگران جلوه‌ای از عدم حق حیات است.» (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۵۲) حقوق ایران، انواع مختلفی از قتل را بر مبنای «عنصر روانی» بیان کرده‌اند، طبق قول مشهور، انواع قتل عبارتند از:

الف- قتل عمدی ب- قتل شبه عمد یا شبه خطا ج- قتل خطایی
ضابطه تشخیص قتل عمدی عبارت است از:

الف- در صورتی که قاتل قصد کشتن مجنی علیه را داشته باشد. ب- قاتل، قصد ایراد صدمه به مجنی علیه را داشته و با کار نوعاً کشنده، به مجنی علیه صدمه‌ای وارد نماید که منجر به مرگش شود. ضابطه تشخیص قتل شبه عمد عبارت است از: مرتکب، قصد ایراد صدمه یا انجام کاری بر مجنی علیه را داشته باشد ولیکن قصد کشتن مجنی علیه را نداشته و کار یا صدمه وارده نوعاً کشنده نباشد (خداکریمی، ۱۳۸۶: ۲۳۱). بنابراین در قتل عمدی، سوء نیت عام، عبارتست از علم به انسان بودن و زنده بودن مجنی علیه و قصد (یعنی اراده‌ای که آگاهانه متوجه انجام رفتار مشخصی می‌شود) در ارتکاب رفتاری علیه دیگری که نهایتاً به مرگ وی انجامیده است. تا پیش از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، قانون سابق مجازات اسلامی در مقام بیان مصادیق رکن معنوی قتل عمدی در ماده ۲۰۶ مقرر می‌داشت:

قتل در موارد زیر قتل عمدی است:

الف- مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افراد غیرمعین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود. ب- مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام می‌دهد که نوعاً کشنده باشد و هر چند قصد کشتن را نداشته باشد. ج- مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آن نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.» توجه به چند نکته در خصوص ماده ۲۰۶ ق.م.ا ضروری است:

اول- قانون مذکور به طور کامل از منابع فقهی استخراج شده است تنها مستند قانونی تعریف و یا مصادیق رکن معنوی قتل عمدی است و بدیهی است استناد به سایر منابع تا زمان اعتبار آن وجهه قانونی ندارد.

دوم- در مقایسه با ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی که مقرر می‌داشت مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است مگر در مواردی که قانوناً استثناء شده باشد به مراتب رساتر و رافع بسیاری از ابهامات است.

سوم- در همه جرائم و از جمله قتل عمدی، رکن معنوی باید قبل از انجام عمل موجودیت یافته و یا حداقل این که با انجام عمل مقارن زمانی داشته باشد. در واقع صرف وجود ارکان مادی و معنوی برای تحقق جرم نیست بلکه تقارن زمانی آن‌ها شرط اساسی است.

فرض کنید شخص الف با سلاح جنگی خود و سوار بر اتومبیل به قصد قتل ب حرکت کند ولی در مسیر به علت تنش و هیجان به چراغ قرمز توجهی نکند و با اتومبیلی که از طرف مقابل در حرکت بوده تصادف نماید و موجب قتل راننده آن شود اگر مقتول همان شخص ب باشد نمی‌توان الف را به رغم قصد قتل، مرتکب قتل عمدی ب محسوب نمود زیرا قصد قتل با فعل مرتکب (رانندگی) مقارن نبوده است (آقایی نیا، ۱۳۸۹: ۶۴).

چهارم- هر چند ماده ۲۰۶ ق.م.ا، سابق از نظر شکلی و ماهوی بر ماده ۱۷۰ ق.م.ع برتری دارد ولی به منطوق آن ایراداتی وارد است: نخست اینکه واژه قتل در قسمت اخیر صدر ماده (قتل در موارد زیر قتل عمدی است) اضافی است همچنان که این واژه در ماده ۲ قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ وجود نداشته است. دوم

این که مقنن در هر سه بند این ماده و در صدر آنها از واژه «قاتل» استفاده کرده است در حالی که به حکایت هر سه بند هنوز قتلی واقع نشده است و لذا واژه‌هایی از قبیل کسی یا شخصی باید جایگزین آن می‌شدند. سوم، با توجه به تصریح مقنن بر ضرورت قصد قتل در بند الف و فقدان آن در سایر بندها و نیز تفاوت بندهای ب و ج از نظر شخصیت مجنی علیه، عمدی دانستن قتل در هر سه بند چندان با اصول سازگاری ندارد. به عبارت بهتر بندهای ب و ج که در آنها، مرتکب قصد قتل ندارد در حکم قتل عمدی هستند. و لذا مقنن می‌توانست چنین قتل‌هایی را مستوجب قصاص بدانند بدون این که هر سه بند را قتل عمدی محسوب نماید.

در قانون جدید مجازات اسلامی همچون قانون سابق تعریف دقیقی از قتل ارائه نشده است و همچنان ملاک تعریف قتل، همان تعریف فقها از قتل می‌باشد: «و هو ازهاق النفس المعصومه المكافئه عمداً عدواناً»؛ «ازهاق النفس» به معنای خارج ساختن نفس و روح از بدن می‌باشد و منظور از «المعصومه» یعنی نفسی که جواز شرعی برای خارج کردن آن وجود ندارد. (محقق حلی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۷۱)

جرم قتل عمد از جرائم مقید است که در آن حصول نتیجه علاوه بر قصد فعل و قصد نتیجه حصول نتیجه نیز شرط است. در جرم قتل عمدی با کار نوعاً کشنده صرف انجام کار نوعاً کشنده کفایت و نیازی به اثبات قصد نتیجه از سوی مدعی نیست. کسی که قصد کار نوعاً کشنده را دارد به تبع آن قصد قتل نیز دارد، از این لحاظ این جرم ماهیتاً قتل عمد است، زیرا که متهم در واقع هر دو قصد را دارد. اول؛ قصد کار نوعاً کشنده که باید توسط مدعی اثبات گردد. دوم؛ قصد نتیجه که برخلاف قصد قبلی مدعی بی‌نیاز از اثبات آن است، حتی به متهم هم فرصت داده نمی‌شود که نداشتن یا فقدان قصد نتیجه را اثبات نماید. به عبارت دیگر، قصد نتیجه با اثبات و احراز قصد کار نوعاً کشنده، واقعیتی انکارناپذیر و غیر قابل رد است (شاکری، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

با قابل گذشت تلقی شدن جرم قتل عمد در سال ۱۳۶۲ و عدم تعیین مجازات برای جنبه عمومی جرم مزبور، نگرانی‌هایی در مورد امکان سوءاستفاده تبهکاران از خلأ قانونی موجود ایجاد شد. این نگرانی‌ها قانونگذار را به تصویب ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ واداشت. تصویب ماده مزبور، ضمن آنکه نکته‌ای مثبت تلقی می‌شد، ولی واجد دو ایراد اساسی بود. اول آنکه، همه‌ی مواردی را که قاتل از قصاص رهایی می‌یافت در برنمی‌گرفت؛ دوم آنکه اعمال حبس برای جنبه عمومی جرم به تشخیص قاضی واگذار شده بود. طبق ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات که عنوان

۱۱۰ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

می‌دارد؛ هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا بهر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید؛ انتظار می‌رفت که قانونگذار در اصلاحات سال ۱۳۷۵ قانون مزبور، این نقایص را برطرف کند. این انتظار در مورد قسمت اول برآورده شد ولی در مورد قسمت دوم بی‌پاسخ ماند (رحمدل، ۱۳۸۵: ۷۹).

در تحلیل نهایی سوءنیت در قتل عمد می‌توان بیان داشت که قانونگذار ما تعریفی از سوءنیت یا قصد مجرمانه یا عنصر روانی در جرم قتل عمد ارائه نداده است و ترجیح داده در بندهای چهارگانه ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به بیان مصادیق آن بپردازد و با تحلیل و کنکاش در آنها می‌توان به ارکان عنصر روانی قتل عمد دست پیدا کرد که عبارتند از: اراده، علم، سوءنیت و در احراز عنصر معنوی یا روانی و مسئولیت کیفری داشتن قاتل، وجود همه این عوامل با هم ضرورت دارد (صادقی، ۱۳۹۳: ۵). به موجب بند الف ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود. قصد کشتن و سلب حیات از دیگری که عملاً به نتیجه مورد نظر برسد، صرفنظر از نوع وسیله‌ای که برای تحقق قصد خود بکار برده و بدون توجه به نوعاً کشته شده بوده آن کار، عمدی محسوب می‌شود.

رفتار کسی که عمداً کاری انجام دهد که نوعاً کشته شده باشد هر چند که قصد کشتن نداشته باشد، در حکم عمدی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، اگر عمل نوعاً کشته شده بوده و قصد مرتکب خواه کشتن باشد خواه نباشد و در عمل به قتل بیانجامد، قتل عمدی محسوب می‌گردد، چرا که، کسی نمی‌تواند چنین اقدامات خطرناکی را انجام داده و از عواقب کار خود بگریزد. به سخنی بهتر، چنین فردی کمتر از کسی که عملی را به قصد قتل یا ایراد جرح علیه دیگری انجام می‌دهد، قابل سرزنش نیست» (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

در پاسخ به این سؤال که چه رابطه‌ای بین آلت قتاله و فعل نوعاً کشته شده وجود دارد و یا به سخن دیگر، آیا هر آلت قتاله‌ای، فعل نوعاً کشته شده است، برخی معتقدند: «رابطه‌ی بین آلت قتاله و فعل نوعاً کشته شده، رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق است به

نحوی که آلت قتاله از مصادیق فعل نوعاً کشنده می‌باشد، اما فعل نوعاً کشنده، منحصر به آلت قتاله نمی‌باشد و مورد دیگری نیز دارد» (شاکری، ۱۳۹۴: ۶۱). در مقابل گروهی دیگر بر این عقیده‌اند که فعل نوعاً کشنده منحصر به آلت قتاله نیست و آلت قتاله نیز لزوماً از مصادیق فعل کشنده نیست، زیرا که، فعل نوعاً کشنده به خصوصیت عمل توجه دارد و توجهی به ماهیت و آلت قتاله ندارد (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۰۸). از بین نظرات فوق، نظر گروه دوم ارجح است، همچنان که از آراء مختلف صادره از دیوان عالی کشور صحت نظر اول قابل تردید است. مثلاً دیوان عالی کشور، در مواردی قتل را بدون این که قصد کشتن وجود داشته باشد، عمدی محسوب نمود. مواردی نظیر فشردن گلو، سیلی زدن به شقیقه، با توجه به حساسیت موضع اصابت، نوعاً کشنده محسوب می‌شود بدون آنکه مرتکب از آلت قتاله‌ای استفاده کرده باشد.

همین‌طور فقها نیز مثال‌هایی را در خصوص عمل نوعاً کشنده ارائه نموده‌اند، بدون آنکه آلت به کار برده شده، ماهیتاً قتاله باشد. از جمله، ریسمان به گردن انداختن و فشار دادن آن و رها نکردن آن تا زمان مرگ. بنابراین، رابطه بین آلت قتاله و عمل نوعاً کشنده عموم و خصوص من وجه است، بدین معنی که، برخی آلت قتاله، نوعاً کشنده است و برخی اعمال نوعاً کشنده، آلت قتاله است. براساس بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) و بند ۲ ماده ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ قانونگذار «قصد انجام کار نوعاً کشنده را به عنوان ضابطه قتل (جنایت عمدی) در حقوق کیفری پذیرفته است.

گاهی وسیله نوعاً کشنده نیست، ولی به جهت ضعف و ناتوانی مجنی علیه و خلاصه به علت شخصیت مجنی، کشنده می‌باشد. مثلاً هرگاه مجنی علیه مریض، ضعیف یا کودک باشد و مرتکب او را چنان مجروح و مضروب نماید که انسان سالم و بزرگ را نمی‌کشد، ولی این ضرب یا جرح، به طور عادی شخص مریض، ضعیف و یا کودک را به قتل می‌رساند، مسئول قتل عمد خواهد بود. از این رو در بند ج ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی آمده بود: «مواردی که قاتل قصد کشتن ندارد و کاری را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا بیماری یا ناتوانی و کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.»

بند ج ماده ۲۰۶ اقتباس از کتاب تحریرالوسیله حضرت امام خمینی (ره) شده و ایشان می‌فرماید: «اگر طرف به علت بیماری یا کودکی یا پیری و مانند آنها ضعیف

۱۱۲ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

باشد اما بداند که طرف ضعیف است، قصاص در آن ثابت است.» و دلیل بر عمدی بودن قتل در ما نحن فیه اولاً اجماع و ثانیاً نصوص معتبره می‌باشد و مضافاً به این که قصاص در جایی که محقق می‌شود که قتل عمدی باشد و در این مورد ملاک عمد در قتل (که عبارت است از ایجاد عملی که غالباً کشنده است) موجود می‌باشد. و همچنین اگر او را با چوبی بزند و زدن را ادامه بدهد تا بمیرد یا چند نوبت او را بزند و مضروب تحمل زدن نداشته باشد و یا از نظر آنکه ضعیف است و قدرت تحمل را نسبت به ضربتی که وارد می‌شود، ندارد مثل آنکه ضارب قوی است و مضروب ضعیف است یا از نظر زمانی قدرت تحمل را ندارد، مثلاً در هوای سرد یا هوای بسیار گرم او را بزند و بمیرد در تمام این موارد قتل، قتل عمد محسوب می‌شود.»

در هر حال تشخیص قتاله بودن آلت اصولاً به نظر دادگاه رسیدگی‌کننده به جرم است. ولی تشخیص حساس بودن موضع امری است فنی و تشخیص آن از صلاحیت دادگاه خارج است و باید به کارشناس ارجاع شود تشخیص علت مرگ و تعیین هویت، سن، جنس، نژاد و زمان مرگ و صدور جواز دفن، با نظارت دادرس از وظایف عمده پزشکی قانونی است.

در بند ج ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، عمل نوعاً کشنده نیست. ولی، زمانی که عمل نوعاً غیر کشنده، نسبت به مجنی علیه، نوعاً کشنده محسوب شود، به عنوان مثال، سیلی زدن به کودک تازه متولد شده و یا سیلی زدن به فرد کهنسال که منجر به کشته شدن آن‌ها گردد، قتل عمدی محسوب می‌شود. بنابراین، این بند مواردی نظیر کودکی، پیری، ناتوانی، زمان ارتکاب فعل و یا حتی مکان ارتکاب عمل را نیز شامل می‌شود. به عنوان مثال، شلاق زدن در هوای بسیار سرد یا ریختن بنزین روی کسی که کنار آتش نشسته است.

در این بند، همان گونه که تبصره ۲ ماده فوق تصریح نموده است، مرتکب باید نسبت به کشنده بودن عمل در آن شرایط توجه و آگاهی داشته باشد. مطابق این تبصره: «در بند سوم باید آگاهی و توجه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.» به عنوان مثال، بداند که سیلی زدن به کودک تازه متولد شده در آن شرایط نوعاً کشنده محسوب می‌شود، که البته، اثبات علم وی به کشنده بودن رفتار بر عهده شاکی است، برخلاف بند ۲ که: «... عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات جنایت عمدی خواهد بود، مگر جنایت واقع شده صرفاً به علت

حساسیت زیاد موضع آسیب واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نخواهد شد».

چنانچه مرتکب جرم عمدی، قبلاً عواقب و نتیجه خاص و معین حاصل از عمل خود را پیش بینی و مورد توجه قرار داده باشد و با اراده و اختیار و در نظر گرفتن آن نتیجه خاص، عملیات، اجرائی جرم را به انجام برساند، قصد مجرمانه او را «قصد مجرمانه معین» می نامند. مانند اینکه کسی به قصد کشتن شخص معینی که هویت مجنی علیه برایش معلوم است یا هدف قرار دادن او با سلاح کمری قصد مجرمانه خود را اجرا می کند و او را می کشد. اما در پاره‌ای از اوقات، شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر وقوع جرم به نحو دیگری است. در این موارد با این که مرتکب جرم عمدی قصد ارتکاب جرم را دارد ولی نتیجه خاص و معین حاصل از جرم، برای او قابل پیش بینی نیست و از نظر او مجهول است. در این صورت قصد مجرمانه او «قصد مجرمانه نامعین» می نامند. مانند سارقین مسلحی که در حین حمله به بانک به وسیله مأمورین انتظامی محاصره شده‌اند. برای غافلگیری و فرار از صحنه جرم به طرف عده‌ای که ممکن است مشتریان یا مأمورین یا کارمندان بانک باشند تیراندازی می کنند و باعث کشته شدن فرد یا افراد بی گناه می شوند که قبلاً برای سارقین غیر قابل پیش بینی و مجهول بوده است. همین طور در مورد شخص خراب کاری که به محاصره مأمورین درآمده است، به قصد ایجاد رعب و هراس نارنجکی را در میان توده مردم پرتاب می کند و یک یا چند نفر را می کشد.

در بند الف از ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ قانونگذار وجود قصد مجرمانه معین و غیر معین را برای تحقق قتل عمدی بدین شرح مورد توجه و تأکید قرار داده بود: «مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افراد غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود».

به طوری که ملاحظه می شود از نظر قانون قصد مجرمانه معین و نامعین برای کشتن دیگری موجب مسؤولیت کیفری آن خواهد شد. سوم آنکه مرتکب عملی را با قصد خاصی انجام می دهد، ولی نتیجه به دست آمده به مراتب بیش از انتظارات اوست. مثل اینکه کسی فقط قصد ایراد ضرب دیگری را داشته، ولی ضربات وارده به جای

۱۱۴ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

حساس اصابت نموده و او را به قتل می‌رساند. این موارد را نیز، «عمد متجاوز از قصد» نامیده‌اند.

اما گاه اتفاق می‌افتد که شخص قصد جرم خاصی را دارد ولی نتیجه به دست آمده به مراتب بیش از انتظار اوست. برای می‌توان به ضرب و جرح عمد منتهی به فوت اشاره نمود. در این مورد فقط مرتکب قصد ایراد ضرب را داشته ولی در نتیجه ضربات حاصله، شخص مضروب فوت می‌نماید. در این جرم مرتکب به هیچ وجه قصد قتل را نداشته است، لیکن نتیجه حاصله برخلاف انتظار وی به مراتب بیش از خواست او و اراده مجرمانه قلبی وی می‌باشد. این عمد را «عمد متجاوز از قصد» می‌نامند و اما مورد دوم، موردی است که نتیجه به دست آمده در همان زمینه توافق بین مباشر و معاون بوده، لیکن نتیجه حاصل بیش از توافق اصلی است. مثل آنکه شخصی وسایلی جهت سارق برای انجام سرقت عادی تهیه می‌نماید ولی سارق مرتکب یکی از سرقت‌های جنائی می‌گردد؛ و یا آنکه شخصی دیگری را مأمور ایراد ضرب می‌کند لیکن ضربات وارده موجب مرگ مجنی علیه می‌گردد، این مورد را می‌توان با «عمد متجاوز از قصد» مقایسه نمود (پروین، ۱۳۹۲).

این امر در بند ۴ ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی جدید نیز مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این بند: «هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود واقع شود. مانند بمب‌گذاری در اماکن عمومی». این بند به اختلاف نظرانی که در مورد قصد قتل در جمع غیر معین بود پایان داد و قصد قتل حتی اگر مقصود جمع معینی نباشد را از مصادیق قتل عمدی مستوجب قصاص تلقی نمود.

مراد «از یک جمع» به قرینه وجود بند ۲۹۰، یک جمع معین است و الا اگر مراد هر جمعی، می‌بود ذکر نوع چهارم عمدی یعنی جنایت بند ۲۹۰ که به آن جنایت عمدی مطلق نیز اطلاق می‌شود بیهوده می‌بود.

قانون جدید مجازات اسلامی با تغییرات قابل توجه‌ای در قواعد قصاص همراه بوده است. در این قانون همانند قانون سابق قتل به سه شکل عمد، شبه عمد و خطای محض تقسیم شده است. ولی قانون جدید عملاً در حیطه‌ی قواعد و گستره‌ی انواع قتل، نسبت به قانون سابق با تغییرات و اصلاحات زیادی مواجه شده است. به نظر می‌رسد این تغییرات در راستای نظرات حقوقدانان کیفری به وقوع پیوسته است. از جمله‌ی این تغییرات می‌توان به اصلاحات به وجود آمده در شرایط قتل عمد اشاره نمود، که سه

شرط عمل نوعاً کاشنده علم به نوعاً کاشنده بودن، توجه به نوعاً کاشنده بودن به عنوان شروط لازم برای تحقق جرم قتل عمد به شمار رفته است (زارعی، ۱۳۹۵: ۴). نکته مهم دیگر در قانون جدید مجازات اسلامی در خصوص عنصر روانی جرم این است که مطابق قانون جدید، اگر کسی بدون این که قصد قتل داشته باشد یا اینکه عمل او نوعاً کاشنده باشد، جراحی را عمداً بر عضو دیگری وارد سازد که به مرگ او منجر شود، چنین قتلی گرچه شبه عمد به شمار می‌رود، قاتل علاوه بر دیه نفس به قصاص عضو نیز محکوم می‌شود. همچنین در جایی که چند ضربه متوالی موجب قتل دیگری شده، قانون به تداخل قصاص اعضا در قصاص نفس قائل است. این در حالی است که در ضربات غیرمتوالی، جانی علاوه بر قصاص نفس به قصاص جنایت بر اعضا جز جنایت ماقبل آخر نیز محکوم می‌شود، با آنکه مرگ فقط در اثر ضربه آخر نبوده و در اثر مجموع ضربات بوده باشد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۴: ۲۲۵).

برخی علل هستند که مسئولیت جزایی را رفع می‌کنند که عبارتند از کودکی، جنون و اجبار، خواب و بیهوشی و مستی و اکراه و اضطرار که نقطه مشترک همه این‌ها، فقدان یا اختلال در اجزای عنصر روانی مرتکب است و در صورت احراز هر کدام از علل مذکور، مسئولیت جزایی نخواهد داشت، ولی در قتل عمد ادعای اکراه و اضطرار از سوی قاتل پذیرفتنی نیست و رافع مسئولیت کیفری نمی‌باشد و قانون و شرع همچنین اجازه‌ای به مرتکب نداده است و اگر مرتکب قتل دیگری شود، عمل وی از نوع قتل عمد و مستوجب قصاص خواهد بود، انگیزه همیشه همراه با قاتل بوده و خود را به دیگر اجزای عنصر روانی گره زده و در ارتکاب قتل اثرگذار می‌باشد، در باب قتل عمد باید گفت که انگیزه قاتل نقشی در تحقق قتل عمدی ندارد و به عبارت دیگر انگیزه جزئی از رکن روانی قتل عمد محسوب نمی‌گردد.

۱۳- نتیجه‌گیری

با بررسی این مقاله در قالب موضوع سوء نیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران می‌توان نتایج زیر را بر شمرده که اولاً؛ نظام حقوقی ایران همچون سایر نظام‌های حقوق کیفری موضوع سوء نیت در جنایات را به صورت ویژه مورد توجه قرار داده

۱۱۶ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

است. این نظام حقوقی متأثر فقه اسلامی، ضمن توجه به موضوع سوءنیت، شرایط و آثار ویژه‌ای را نیز برای آن در نظر گرفته است، ثانیا، نظام حقوقی ایران که متأثر از فقه می‌باشد، هیچگونه تفکیک و تمایزی بین اجزای متشکله خطا به عنوان عنصر روانی جرائم غیر عمدی دیده نمی‌شود. در قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی به مصادیقی از خطا شامل بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت مقررات مربوط به امری و مانند آن اشاره شده است؛ **ثالثا؛** قانونگذار ما تعریفی از سوءنیت یا قصد مجرمانه یا عنصر روانی در جرم قتل عمد ارائه نداده است و ترجیح داده در بندهای چهارگانه ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به بیان مصادیق آن بپردازد و با تحلیل و کنکاش در آن‌ها می‌توان به ارکان عنصر روانی قتل عمد دست پیدا کرد که عبارتند از: اراده، علم، سوءنیت و در احراز عنصر معنوی یا روانی و مسئولیت کیفری داشتن قاتل، وجود همه این عوامل با هم ضرورت دارد، **رابعا؛** تحقق اسناد معنوی منوط به آن است که مجرم در هنگام ارتکاب فعل متکی بر قدرت اختیار و اراده آزاد خویش بوده و با توجه به درک نتایج حاصله از آن و در حالی که قادر به امتناع از انجام جرم است مرتکب بزه شده باشد. بنابراین در صورت اختلال کلی یا جزئی در اراده جانی و فاقد ادراک و قدرت تمیز و تشخیص، امکان اسناد معنوی منتفی بوده و مجرم به مجازات جنایت عمدی محکوم نمی‌گردد. بر این اساس، مستی، اکراه، اجبار، صغر سن می‌توانند از موانع انعقاد سوءنیت محسوب گردد.

منابع

- آقایی نیا، حسین؛ چلبی، آزاده (۱۳۸۹)، جایگاه سرقت در حوزه مفهومی مالکیت: بررسی تطبیقی مفهوم سرقت در چهار نظام حقوقی (انگلستان امریکا فلوریدا کانادا و ایران)، حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، میزان.
- اصغری، عبدالرضا (۱۳۸۰)، سن مسئولیت کیفری در حقوق اسلام، الهیات و حقوق، شماره ۲.
- بابایی، محمدعلی (۱۳۷۵)، اشتباه در شخص مجنی علیه جرم قتل و تاثیر آن بر مسئولیت کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق و علوم سیاسی.
- پروین، فرهاد (۱۳۹۱)، رابطه متقابل حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۹۵، صص ۴۷-۶۶.
- پروین، خیرالله، اصلانی، فیروز (۱۳۹۲)، اصول و مبانی حقوق اساسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۹۴)، نقدی بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در زمینه تداخل قصاص، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهارم و هشتم - شماره ۲.
- خدا کرمی، نبی (۱۳۷۶)، بحثی پیرامون عنصر روانی جرم قتل در ادیان الهی و ایران باستان، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۸.
- خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، جلد ۲، چاپ نجف، مطبعه الادب، بی تا.
- خطاب، خلیل، مواهب الجلیل، جلد ۶، الطبعه اولی (چاپ اول)، مطبعه السعاده، (مذهب مالکی) بی تا.
- ذاکری، حجت اله، (۱۳۷۷)، بررسی و تحلیل قتل عمد و مجازات آن در اسلام، نشر مؤسسه فرهنگی انتشاراتی بهشت اندیشه، چاپ اول.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۷۸)، آشنایی با حقوق جزا و جرم‌شناسی، ج ۱، قم.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۵)، جنبه عمومی قتل عمد، حقوقی دادگستری، شماره ۵۴.

۱۱۸ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

- رضانیا. حمید، آبادی زاده. فریبا (۱۳۹۶)، بررسی اهمیت و جایگاه ادله‌ی وجوب نفقه در فقه امامیه و اهل سنن و حقوق موضوعی، مجله مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۲/۱، صص ۱۰۲-۱۱۳.
- زارعی، محمد (۱۳۹۵)، قتل عمد و چالش‌های آن در قانون مجازات اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- شاکری، ابوالحسن؛ رستگاری، ماندانا (۱۳۹۴)، جرم دعوت به خودکشی در حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۴.
- شاهچراغ. حمید (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن‌لا، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۸، صص ۷۷-۱۱۴.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۳)، جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، تهران، میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۵)، حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، جلد اول.
- عوده، عبدالقادر، التشریح جنایی اسلامی، مترجمان ناصر قربان نیا و ...، چاپ اول، جلد دوم، نشر میزان،
- فیض، علیرضا، (۱۳۸۵)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، چاپ ۷، نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۸)، حق حیات تحلیلی اخلاقی و حقوق بشری، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۱ - ۳۲.
- قبادپور، علی (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی قصد ارتکاب جرم و معصیت در جزای اسلامی و علم اخلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱ - ۲ - ۳)، تهران، میزان، نشر دادگستر.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹)، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- لابی البرکات (۱۴۰۵)، سید احمد، الشرح الکبیر، جلد ۹، الدیر، بی تا، ص ۴۲۸ و ابن قدامه، عبدالله، المغنی، جلد ۹، بیروت دارالفکر، طبعه الاولی.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۹)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، پایدار.
- موسوی خمینی، روح اله، تحریر الوسیله، جلد ۲، نشر مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۶)، حقوق جزای بین‌المللی، تهران، میزان.
- محقق حلی، ابو القاسم (۱۴۰۳)، شرایع الاسلام، جلد ۴، بیروت، دارالاضواء.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۳۷۹)، شرایع الاسلام، نشر استقلال، تهران، ج پنجم، ج ۲، ص ۹۷۱. «خارج کردن جان و روح انسان همتا که مورد حمایت شرع است از روی عمد و ستم (عدوان)».
- مغاضی. محمدرضا (۱۳۴۰)، کانون وکلا ۱۳۴۰، شماره ۷۸.
- نوبهاری، رضا (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی / تهران، دادآفرین، چاپ ۹،
- نوبهاری، رضا (۱۳۷۸)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات دادآفرین.